

# نگاهی به اوپراسیون تعرضی دولت و نیروهای نظامی بین المللی

## در ولسوالی مارجهء ولایت هلمند

### نبی عظیمی

چندی پیش عملیات تعرضی وسیعی برای تصرف و بازپس گیری و ولسوالی مارجه از نزد مخالفین دولت (طالبان) به راه افتید که سر و صدا و واکنش های مثبت و منفی فراوانی را در میان مردم ما به ویژه در میان حلقه های آگاه در مسایل سیاسی و نظامی کشور برانگیخت. بسیاری از آگاهان این اوپراسیون را که با دُهل و کرنا به راه افتید و ماه ها پیش برای آن تبلیغات گسترده صورت گرفت، بنا بر دلایل فراوانی ناکام و نا مؤفق می شمارند؛ اما برخی از نظامیان مربوط به رژیم و فرماندهان و افسران امریکایی این عملیات را درنوع خود بی نظیر شمرده و می پندارند که با اجرای آن هدف عملیات به دست آمده است.

### هدف عملیات:

همه می دانند که اوپراسیون های نظامی چه تعرضی باشند و چه تدافعی و یا تعرض متقابل بدون شک به منظور برآورده شدن اهداف خاصی به راه انداخته می شوند. در عملیات تعرضی مهمترین هدف از بین بردن دشمن مقابل و تصرف مناطق تحت اداره و نفوذ آن و از بین بردن خطوط تدافعی و سنگرهای دشمن است مانند عملیات در تنگی واخان. در تعرض متقابل هدف عملیات از بین بردن دشمن و به دست آوردن خطوط و مناطق از دست رفته و انکشاف تعرض تا نابودی کامل دشمن می تواند بود مانند تعرض متقابل اردوی افغانستان در جنگ جلال آباد. اما در عملیات تدافعی طوری که از نامش پیداست، هدف عملیات با مقاومت سرسختانه پرسونل و تا آخرین رمق حیات حفظ سنگرها و مواضع و خطوط در دست داشته به ویژه خط اصلی مدافعه با مدافعه سیال و پر از مانور می تواند به دست آید، مانند عملیات تدافعی اردوی افغانستان در گردیز پس از سقوط خوست.

بدینترتیب در اوپراسیون تعرضی دولت و قوت های ائتلاف بین المللی هدف عملیات تصرف ولسوالی مارجه و بیرون راندن طالبان از حدود جغرافیایی آن ولسوالی، ایجاد و فعال ساختن هسته های اداری حکومتی و برافراشتن پرچم دولت اسلامی افغانستان بر فراز ولسوالی به عوض بیرق سیاه طالبانی، محو و نابودی و تجرید باند گروپ های طالب، به دست آوردن یا تخریب نمودن مواضع مستحکم دشمن، پاک سازی منطقه از وجود ماین های ضد وسایط و پرسونل، به دست آوردن اسلحه ثقیل و خفیف و تخریب دیپو های مهمات دشمن، به دست آوردن ذخایر تریاک و هروئین و از بین بردن کارگاه ها و دستگاه های تولید هروئین، از بین بردن مزارع آن، باز سازی دوباره سرک ها، پل ها، کاریز ها، چاه ها و جویبارها، باز سازی و باز گشایی مکتب های دختران و پسران و سرانجام کمک اقتصادی به اهالی که بنابر تبلیغات وسیع دولت خانه و کاشانه شان را پیش از پیش ترک نموده و به ولایات همجوار مهاجر شده بودند و یا مهاجر می شدند. اما بنابر گفتهء نظامیان امریکایی و فرمانده عمومی عملیات جنرال مک کرسنال، هدف عملیات بزرگ مارجه تنها از بین بردن مخالفین مسلح نبود، بل موازی با آن تأمین صلح و فراهم نمودن شرایط باز سازی در آن ولسوالی بود.

## شیوه پیشبرد عملیات:

پیش از آن که فرمانده عمومی برای اجرای عملیات محاروبی شیوه و روشی را اتخاذ کند، به داشتن اطلاعات کافی برای فهمیدن مسأله های ذیل که برای پیشبرد یک فعالیت محاروبی در سرزمین تحت تصرف دشمن ضروری پنداشته می شود، نیاز دارد. مثلاً ضرور است تا از خصوصیات اهالی از جمله عادات، اعتقادات، سنت ها، وفاداری و درجهء وابسته گی شان به طرف مقابل، اندازهء خوشبینی و بدبینی شان به دولت، میزان همکاری شان مثلاً به دسترس قرار دادن اطلاعات مهم به ارگان های کشفی و اطلاعاتی به صورت دقیق معلومات حاصل شود. همچنان چه در اوپراسیون های کلاسیک و چه در اوپراسیون های معاصر ضرور است تا فرمانده کل قوا، شرایط اقتصادی، پیداوار محلی، منابع آب، تعداد سرک ها، خطوط ارتباط، لاین های برق، میدان های هوایی، موجودیت منابع تغذیه به ویژه غله جات و مواشی را بداند. همچنان که فکتورهای دیگری مانند نزدیکی و دوری منطقه عملیات از سرحدات دولتی، خصوصیات اراضی (اراضی کهسار، پوشیده از جنگلات، اراضی هموار، دشت و بیابان) خصوصیات اقلیم حتماً در نظر گرفته می شود و قوماندان عمومی مکلف به دانستن و شناخت این عناصر است. البته ناگفته پیداست که با شناخت عمیق هریک از این عناصر شیوه های جنگ بررسی می شوند و بعد از شنیدن گزارش مسؤل کشف درباره تعداد و ترکیب قوت های دشمن، خطوط اول، مواضع آتشی، استحکامات، مناطق تجمع و به میان کشیدن مفکوره دشمن و با در نظر داشت تعداد قوت ها و ترکیب قوت های دوست، تناسب معقول حداقل دو بر یک - در عملیات تعرضی جبهوی - به وجود آورده شده، قرار محاروبی صادر شده، منطقه شق مدافعه دشمن تثبیت و استقامت ضربه اصلی تعیین می گردد.

اوپراسیون تعرضی در ولسوالی مارجه ولایت هلمند که به نام عملیات "مشترک" پیش برده شد، عملیاتی بود که پس از تصمیم اوپاما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا مبنی بر اعزام ۳۰ هزار سرباز تازه نفس امریکایی، بزرگترین فعالیت محاروبی مشترک قوای امریکایی با قوت های رزمی انگلیس و نیروهای مسلح افغانستان به شمار می رود. این نکته هم گفتنی است که از نظر نظامیان امریکایی این عملیات بزرگترین اوپراسیون تعرضی است که برای تغییر مسیر جنگ به نفع قوت های دولتی و امریکایی و ائتلاف در افغانستان صورت می گیرد.

اما درباره این که ستاد فرماندهی عمومی عملیات "مشترک" درباره وضعیت جغرافیایی، شرایط اقلیمی و سایر عناصر بالا معلومات کافی داشتند، هیچ شکی وجود ندارد. منتها آنچه مایهء تعجب است، تناسب قوایی است که جنرال مک کریستال این جنرال ورزیده و با تجربه برای پیشبرد این عملیات به وجود آورده بود:

## گروپمان نظامی طالبان (مخالفین):

تعداد پرسونل طالبان نظر به آماری که امریکایی ها در رسانه های بین المللی منتشر کرده اند، از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ جنگجو تخمین زده شده بود که از این میان ۱۰۰ جنگجوی آن خارجی ها بوده است. طبیعی است که اسلحه آنان جنگ افزارهای قوت های پیاده بوده است، زیرا تا کنون از موجودیت اسلحه ثقیل مانند توپ ها و اوبوس ها و ماشین های محاروبی و تانک ها به نزد مخالفین دولت هیچ گزارشی داده نشده است. مؤثرترین و بُرا ترین اسلحه آنان را فرش ماین های ضد پرسونل و وسایط

در جوار راه های منتهی به منطقه عملیات و به وجود آوردن کشتزار های گسترده ماین در اطراف منطقه فعالیت محاربوی تشکیل می دهد. همچنان که تجربه نشان داده است، این قوت ها از راکت های سرشانه پی، ماشیندار های پیکا و بعضاً ماشیندارهای ثقیل که بالای خود روهای پیک اپ نصب شده اند، استفاده کرده اند. تورنجنرال افضل امان معاون اول ریاست اوپراسیون وزارت دفاع نیز در برنامهء "گفتمان" تلویزیون طلوع، تعداد و ترکیب قوت های مخالفین را اندکی بیشتر از یکهزار تن (۱۱۰۰ جنگجو) وانمود ساخته است. اما یک تن از فرماندهان طالب به نام قاری فیض الله به رویتر گفته بود که در حدود ۲۰۰ طالب برای جنگ با امریکایی ها آماده شده اند.

### گروپمان دوست:

به گفته جناب تورنجنرال افضل امان در این عملیات ۶ کدک از اردو و ۴ کدک از نیروهای پولیس اشتراک کرده بودند. حالا اگر به حساب یک دلگی ۹ نفری تنها افراد ارتش را بشماریم وتعداد افسران بلوک ها و تولی ها را همراه با قرارگاه کدک مدنظر بگیریم، در هر کدک در حدود ۳۰۰ سرباز می داشته باشیم. پس تعداد افراد اردو که در این عملیات اشتراک کرده بودند به ۱۸۰۰ تن می رسید. اما در مورد تعداد نفرات امریکایی ها در این جنگ، آقای سید اسحق گیلانی وکیل مردم در ولسی جرگه اظهار نمود: ۱۵۰۰۰ تن سرباز و افسر در این عملیات اشتراک کرده بودند. برید جنرال مک کارتر قوماندان ناتو در جنوب افغانستان هم گفته بود که در عملیات نادعلی - مارجه ۱۵ هزار عسکر اشتراک کرده اند که از آن جمله ۷۵۰۰ عسکر امریکایی در مناطق اطراف مارجه مستقر شده اند. همچنان او گفته بود که عساکر انگلیسی نیز همزمان با عملیات در مارجه، فعالیت محاربوی را در نادعلی ادامه می دهند.

بدینترتیب اگر ما حد وسط گروپمان نظامی مخالفین دولت را ۸۰۰ تن به شمار آوریم و قوت های دوست شامل در عملیات را ۱۵۰۰۰ تن، در این صورت تناسب ذیل از لحاظ پرسونل به وجود می آید: زده سرباز به مقابل یک جنگجوی طالب.

یعنی در برابر یک طالب ۱۹ سرباز تا دندان مسلح از قوت های دوست قرار داشت و همین طور اگر تفوق اسلحه ثقیل و قوای هوایی دوست را مد نظر بگیریم، باید با اجرای این اوپراسیون هدف عملیات صد فیصد انجام می یافت و قوای طالب کاملاً نابود می گردید.

### تکتیک جنگ:

همان طور که در رسانه ها باز تاب یافت، محاصره مارجه توسط نیروهای امریکایی و تصفیه ولسوالی از وجود طالبان توسط سربازان ارتش و پولیس و نیروهای رزمی ریاست عمومی امنیت ملی انجام می یافت. در این فعالیت محاربوی در آغاز مانند سایر جنگ های کلاسیک جبهه پی، ضربات آتشی توپچی و هوایی قوای دوست بالای مراکز قومانده و محلات تجمع، مواضع آتشی، استحکامات و خطوط مدافعه دشمن آغاز می یافت و همزمان نیروهای ویژه کوماندوی قوت های بحری امریکا به منظور جلوگیری از فرار دشمن به خطوط عقبی طالبان دیسانت می گردیدند.

اما تکتیک جنگی طالبان را مثل همیشه استفاده وسیع و گسترده از کشتزار های ماین و حمایت و حفاظت پیوسته آتشی از این کشتزار ها، ضربه زدن به دشمن ولی اجتناب از برخورد رویارویی با

قوت های برتر و فایق دشمن یعنی تکتیک شناخته شده پارتیزانی جنگ و گریز، اجرای کمین ها و غافلگیر ساختن دشمن، ستر و اخفای قوت های خودی با استفاده از لباس محلی و سپر ساختن اهالی ملکی بدین منظور، اجرای عملیات انتحاری و تبلیغات گسترده و مذهبی بر علیه کافران و اشغالگران امریکایی تشکیل می داد.

### اجرای عملیات:

اگر یادم نرفته باشد به گمانم به تاریخ ۲۴ دلو ۱۳۸۸ عملیات "مشترک" آغاز گردید و ولسوالی مارجه و نادعلی از زمین و هوا مورد ضربات آتش شدید قرار گرفته و قوت های رزمی افغانستان تعرض خویش را تحت پوشش این ضربات مرگبار آغاز کردند. اگرچه آقای تورنجنرال افضل امان گفته اند که پلان گذاری و قومانده عملیات را وزارت دفاع افغانستان به عهده داشت ولی از اظهارات فرماندهان امریکایی بر می آید که هم پلانگذاری و هم فرماندهی این اوپراسیون بزرگ را باید آنان انجام داده باشند. وانگهی وزیر دفاع ما که حتی یک کندک را در اثنای جنگ رهبری نکرده بود و تنها فعالیت عملی اش به مسدود ساختن تنگی ابریشمین بر روی قوت های دولتی و کاروان های اکمالاتی خلاصه می شد، هرگز و یا به هیچ صورتی از صور قادر به رهبری و سوق و اداره چنین قوت های بزرگی نمی تواند بود.

اما جنگ در واقع از ماه ها پیش آغاز شده بود: تبلیغات و تبلیغات گسترده از طریق رسانه ها و پخش اوراق تبلیغاتی از هوا و زمین! حربه بی که گهگاهی به منظور شکستن وضعیت ساختن روحیه و روان دشمن صورت می گیرد ولی همیشه کارآیی لازم را نمی تواند داشته باشد. اما این تبلیغات به باور بسیاری از آگاهان سیاسی - نظامی نه تنها باعث ضعف روحیه دشمن نگردیده بود، بل سبب شده بود تا طالبان از اقدامات دولت پیش از وقت مطلع شده و تدابیر لازم را برای دست داشتن موضع و مراکز مهم و ستراتیژیک شان اتخاذ کنند. مثلاً تخلیه دپیو های اسلحه و مهمات به آن سوی مرز یا در مناطق بی خطر اطراف مارجه و نادعلی، یا تخلیه انبارهای مواد مخدر و برچیدن لابراتوارها و دستگاه های تولید چرس و حشیش و انتقال آن ها به مناطق امن. همچنان پیدا نمودن راه های بی خطر برای عقب نشینی، در صورت برخورد با نیروهای برتر قوت های افغانی - امریکایی.

سید اسحق گیلانی در این زمینه می گوید: یک ماه پیش تبلیغ شد. محرمیت عملیات مد نظر گرفته نشد. معلوم نشد که چقدر لابراتوارهای ساختن هیروئین به دست آمد؟ تلفات مردم ملکی فراوان بود، مردم از خانه های شان بیرون رانده شدند. هزار و پنجصد مهاجر در لشکرگاه رفتند که هیچ خویشاوندی در آن جا نداشتند. برای مهاجرین هیچگونه تدابیری اتخاذ نشده بود. می گفتند ۱۵۰۰ طالب است، قوت ها ۱۵۰۰۰ نفر بود. برای هر طالب ده عسکر می رسید، در حالی که گفته می شود ۱۵۰ نفر کشته شده و معلوم هم نیست که راست است یا دروغ؟ پس طالبان باقیمانده چه شدند؟ مک کریستال گفت تا فشار نباشد مذاکره و مصالحه \* صورت نمی گیرد؛ اما ما دیدیم که همزمان با عملیات مارجه در کابل انفجار صورت گرفت، مردم تلف شدند و بزرگترین ضربه به اقتصاد خانواده ها وارد شد. فکر می کنم باید طرح مصالحه را ملت و پارلمان می فهمیدند، پارلمان باید بالای آن کار می کرد، آن را پخته می ساخت و بعد مذاکره صورت می گرفت. ما از هیچ طالب تا کنون نشنیده ایم که بگویند ما مصالحه می کنیم.

راز محمد دلیلی والی پیشین میدان وردگ: اجرای عملیات پیش از وقت تبلیغ شد. طالبانی که سلاح داشتند به طرف کتواز رفتند؛ ولی به زودی برگشتند، وقتی عملیات ختم شد و آنان برگشتند گروه های ۱۵ - ۲۰ نفری شان به گروه های ۳۰ - ۴۰ نفری تبدیل شد یعنی با روحیه قوی تر و قوت بیشتر برگشتند. بلی عملیات نتیجه نداشت. عملیات وقتی تاثیر دارد که مردم احساس کنند، امنیت آورده شده است.

به هر حال عملیات آغاز شد ولی سرعت حرکت قوت ها بسیار بطی بود. سخنگوی وزارت دفاع آقای جنرال ظاهر عظیمی می گفت به علت وجود کشتزارهای ماین با احتیاط حرکت می کنیم؛ ولی مقاومت سرسختانه در برابر حرکت قوت ها وجود ندارد. دیری نگذشته بود که از اثر بمبارد هواپیما های امریکایی به تاریخ ۲۵ فبروری در حدود ۳۵ تن از اهالی ملکی شامل زنان و اطفال که مارجه را ترک کرده و می خواستند خود ها را به ولایت همجوار برسانند به طرز بیرحمانه بی کشته و زخمی شدند. این برخورد بی رحمانه و ناشیانه سبب شد که مردم بیشتر از پیش از عملکرد دولت شاکی شوند و به آوردن صلح و امنیت توسط این گونه فعالیت های ناسنجیده بی باور گردند. در این میان نیروهای طالب سرسختانه از مواضع شان به ویژه از کشتزار های ماین دفاع نمودند. نظر به آخرین گزارش ها حتی تا همین دیروز پرویز که از ختم عملیات مدت ها می گذرد، آتش جنگ میان نیروهای ائتلاف و طالبان سرد نشده است. مثلاً به تاریخ ۲۶ مارچ بود که نیروهای امریکایی هنگام گشت زنی (گزمه) مورد تهاجم طالبان قرار گرفتند و ۶ زخمی از خود به جا گذاردند. سرانجام بعد از گذشت روزان و شبان فراوان عساکر دولتی به بازار ولسوالی رسیدند و پرچم دولتی را بر فراز ولسوالی برافراشتند.

#### دستآورد ها:

تلفات دشمن بنابر گفتهء معاون اول اوپراسیون وزارت دفاع آقای جنرال افضل امان از ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر تخمین زده می شود و تعداد اسیران جنگی طالب ۵۰ تن به شمول یک تعداد قوماندانان طالبان. و این در حالی است که بنا بر گفتهء مقامات امریکایی تعداد کشته های طالب ۱۲۰ تن بوده است.

تلفات اردوی ملی به گفتهء آقای جنرال امان: ۹ تن شهید و ۲۵ تن زخمی. از تعداد کشته شده ها و زخمی های قوت های امریکایی و انگلیسی آمار دقیقی در دست نیست. دستآورد های دیگر این عملیات از دیدگاه مقامات دولتی افغان، آزاد ساختن ولسوالی مارجه از اشغال طالبان، برافراشتن پرچم دولت اسلامی بر فراز آن، تعیین ولسوال جدید (گفته می شود این شخص چهار سال به نام طالب زندانی بوده و بعد به صورت مرموزی از زندان رها شده است.) و بازگشایی مکتب ها عنوان می کنند.

#### نتیجه:

در اوپراسیون تعرضی "مشترک" در ولسوالی مارجه بنابر اظهارات و دیدگاه های بسیاری از آگاهان سیاسی - نظامی هدف اساسی عملیات که عبارت از نابودی کامل مخالفین مسلح و تار و مار ساختن گروپمان دشمن در جنوب افغانستان بود و همچنان از بین بردن لابراتوار های تولید هروئین، کشف و ضبط انبارهای اسلحه و مواد مخدر، پاکسازی کشتزار های ماین و سرانجام فراهم نمودن فضای صلح و امنیت برای مردم، نه تنها به دست نیامد، بل برخلاف، ناکامی این عملیات موجب آن گردید تا دشمن

با تجدید گروپمان بار دیگر و این بار با قوت بیشتر در این ولسوالی ظاهر شود و به جنگ و گریز همیشه گی با قوای ائتلاف و نیروهای مسلح دولتی ادامه دهد.

بنابر این می توان اذعان کرد که این یک عملیات پرمصرف، پر از نواقص فراوان به ویژه از لحاظ نظامی و سرانجام یک پروژه ناکام جنگی تلقی شده می تواند. این نکته را هم باید به این مؤخره افزود که امیدواریم تا در فعالیت محاروبی که جنرال مک کریستال در ولایت قندهار به راه خواهد انداخت، درس های لازم از اوپراسیون ناکام تعرضی در ولسوالی مارجه آموخته باشند تا بیشتر از پیش موجب رنج و آزار مردم بلاکشیده آن دیار نگردند.

پایان

رویکرد

\* چنین مواردی در مورد مصالحه ملی زمان حاکمیت ما نیز پیش می آمد و می توان گفت که این موارد اندک نبودند. مثلاً از یکسو آتش بس یکجانبه را امر می دادند و از سوی دیگر دیرکتیف های فعالیت های محاروبی را که می بانیست در گوشه و کنار کشور به منظور نابودی گروپمان های مجاهدین سابق به راه انداخته می شد، امضاء می کردند. باری! بیشتر از این در این مورد تبصره بی نمی کنم زیرا شنیدن حقیقت تلخ است و باعث رنجش خاطر یاران قدیم می شود. فقط همینقدر می خواهم بگویم که همین چند روز پیش بود که در محفلی که به خاطر بزرگداشت از (طرح مصالحه ملی زمان حاکمیت ما) از سوی برخی از هوا خواهان آن به راه انداخته شده بود، "حقیقت" را راه ندادند، زیرا جامه رسمی "قومی" را دربر نداشت و "با زبان" قبیله سخن نمی گفت.

7 April 2010 9:45:35

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)